

فصل اول:

مبادی تحقیق

۱-۱ تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجراء و کاربرد نتایج تحقیق):

ادبیات اقلیمی در حقیقت مبین نوعی ادبیات است که شاخصه های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه ای معین را نشان می دهد، به گونه ای که این شاخصه ها نشانه ویژگی های این منطقه درمقایسه با سایر مناطق باشد.

سرآغاز شکل گیری ادبیات بومی یا اقلیمی در ایران به دهه سی باز می گردد. در این دهه به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، این نوع ادبی گسترش یافت و در دهه چهل به اوج شکوفایی و پختگی خود رسید.

مهم ترین دستاورد ادبیات اقلیمی، حاصل تلاش های نویسندگان جنوب کشور (احمد محمود، سیمین دانشور، صادق چوبک، امین فقیری و ...) است که داستان های این نویسندگان در زمینه فرهنگ و طبیعت متنوع جنوب نوشته شده است. زبان مردم، لهجه ها، گویش ها، آداب و رسوم، باورها و خرافه ها، شاخصه های جغرافیایی و آب و هوایی، در جای جای ادبیات داستانی نویسندگان اقلیم جنوب، قابل بررسی و شناسایی است.

هدف از اجرای این تحقیق بررسی انعکاس چهره جنوب، لهجه، واژگان و اصطلاحات محلی در گفتگوی قهرمانان داستان و همچنین آداب و رسوم و فرهنگ مردم اقلیم جنوب است که در آثار داستانی نویسندگانی چون احمد محمود، سیمین دانشور، صادق چوبک، امین فقیری و ابراهیم گلستان نمود یافته است.

یافته های این پژوهش می تواند مورد استفاده پژوهشگران ادبیات داستانی و همچنین محققان علوم اجتماعی (جامعه شناسی ادبیات) قرار گیرد.

۲-۱ سابقه تحقیق:

محمد علی سپانلو، اولین کسی است که موضوع تأثیر جغرافیایی اقلیمی بر داستان نویسی معاصر ایران را مطرح کرده است. او در سال ۱۳۵۸ در بررسی داستانهای چاپ شده آن سا لها اصطلاح

مکتب خوزستان را پیشنهاد کرد. حسن میر عابدینی درباره ادبیات اقلیمی ایران در کتاب معروف خود با نام « صد سال داستان نویسی ایران » (۱۳۶۶) سخن گفته است. یعقوب آژند در بخشی از مقاله خود با نام « وضع ادبیات داستانی در قبل و بعد از انقلاب » (۱۳۶۹) به تقسیم بندی و تمایز سبکهای داستانی منطقه های مختلف پرداخته است.

به دنبال برگزاری همایشی با عنوان « بررسی ادبیات داستانی اقلیمی گرگان » کتابی به نام « ادبیات اقلیمی » (۱۳۸۰) منتشر شده است. مجله ماه ادبیات و فلسفه (اسفند ۸۱ و فروردین ۸۲) بخشی از مطالب خود را به عنوان « در قلمرو ادبیات اقلیمی » به این حیطة اختصاص داده است. مقاله ای به عنوان « ادبیات داستانی » نوشته حسن میرعابدینی در دانشنامه زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴) به چاپ رسیده است که در بخش مختصری به معرفی ادبیات اقلیمی می پردازد. ربابه حبیبی رساله کارشناسی ارشد خود را با عنوان « ادبیات اقلیمی و تجلی آن در آثار محمود دولت آبادی » (۱۳۸۴) در دانشگاه زنجان ارائه داده است. قهرمان شیری در کتاب خود با نام « مکتب های داستان نویسی در ایران » (۱۳۸۷) به طور مفصل در مورد تأثیر گذاشتن منطقه های مختلف بر روی سبک نویسندگان آن نواحی صحبت کرده است. در مورد ادبیات اقلیمی جنوب پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و این پایان نامه می تواند در این زمینه راهگشا باشد.

۱-۳ سئوالات پژوهشی:

۱- انعکاس آداب و رسوم ، باورها و عقاید و فرهنگ مردم اقلیم جنوب در آثار داستانی نویسندگان جنوب چگونه است؟

۲- لهجه ، واژگان محلی ، اصطلاحات و ضرب المثل های مردمان اقلیم جنوب چگونه در گفتگوی قهرمان ها و شخصیت های داستانی به کار گرفته شده است؟

۳- توصیف طبیعت اقلیم جنوب (مکان ، فضا ، هوا و ...) در آثار نویسندگان بومی چگونه است ؟

۱-۴ روش تحقیق:

این پایان نامه از نوع بنیادی است و بررسی آن به شیوهٔ تحلیلی - توصیفی و به روش کتابخانه ای صورت گرفته است. برای این منظور، ابتدا آن دسته از آثار داستان نویسان بومی که در آن جلوه های اقلیمی بیشتر نمودار است مطالعه و یادداشت برداری شده و سپس براساس طرح پایان نامه به طبقه بندی یافته ها و تحلیل و بررسی آن ها پرداخته شده و سپس نگارش فصل ها آغاز گردیده است.

فصل دوم:

ادبیات داستانی تا زمان پیدایش ادبیات اقلیمی

۱-۲ ادبیات داستانی تا زمان پیدایش ادبیات اقلیمی :

۱-۱-۲ پیشگامان: از ۱۲۷۴ تا ۱۳۲۰ هـ. ش :

مهمترین عواملی که باعث پیدایش رمان فارسی شد، صنعت چاپ و مطبوعات بود. عباس میرزا قاجار به علت شکست ایران از روسها متوجه شد که آینده کشور بستگی به دستیابی به علوم جدید دارد. به همین علت محصلانی به فرنگ اعزام کرد. آنان در بازگشت به میهن دستگاه چاپ را به ارمغان آوردند و همین صنعت باعث پیدایش روزنامه‌ها و کتابها شد. پیدایش روزنامه‌ها و کتابها و همچنین ترجمه متون علمی، تاریخی و ادبی مردم را با دنیای تازه‌ای آشنا کرد. چاپ با تکثیر آثار، آنها را از انحصار اشرافیت درآورد و به میان مردم برد و همچنین باعث پیدایش مطبوعات شد. مطبوعات نثر را ساده و آماده به کار گرفته شدن در توصیفها و مکالمات کرد و همچنین مترجمان شکل تازه رمان را در معرض دید ایرانیان قرار دادند.

بحث رمان نویسی در ایران، نخستین بار به سال ۱۲۵۰ هـ.ش در نامه میرزا فتحعلی آخوندزاده به میرزا آقا تبریزی مطرح شد. دو دهه گذشت، تا اینکه، در سال ۱۲۷۴ هـ.ش حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (تاجر مشروطه خواه مقیم استانبول) نخستین شبه رمان فارسی خود را با نام سیاحتنامه ابراهیم بیگ نوشت. او نوع ادبی سفرنامه نویسی را برای بیان نظریات اجتماعی، سیاسی خود به کار گرفت. به دنبال او عبدالرحیم طالبوف در مسالک المحسنین و میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه خود از سرگذشت حاجی بابا، اثر جیمز موریه نیز از نوع ادبی سفرنامه استفاده کردند. نویسندگان عصر مشروطه بیشتر به نقش اجتماعی ادبیات توجه داشتند و داستانهایشان بیشتر از آن که جنبه تخیلی داشته باشد، نقد اجتماعی و خطابه در مدح عدالت و آزادی بود. در سالهای پس از مشروطیت رمانهای تاریخی، اجتماعی و همچنین داستانهای کوتاه به وجود آمد.

رمان تاریخی: بسیاری از نویسندگان در سالهای شکست انقلاب مشروطه به داستانهای تاریخی روی آوردند. آن نویسندگان رویگردان از ناملایمات زمانه عظمت را در شکوه بر باد رفته ایران باستان جستجو می‌کردند. نویسندگان رمانهای تاریخی به جای تصویر واقع‌گرایانه یک دوره مشخص، از تاریخ به عنوان زمینه ماجراهای مهیج عشق و رزمی، استفاده می‌کردند. گرایشهای ملی

گرایانه آنچنان گسترش یافت که حتی نویسندگانی از قبیل صادق هدایت و بزرگ علوی را نیز به نوشتن داستانهای تاریخی تشویق کرد.

رمان اجتماعی: بسیاری از نویسندگان در سالهای ۱۳۰۰ هـ.ش به رمانهای اجتماعی روی آوردند. این نوع رمان از نظر ساختار شبیه رمانهای تاریخی است، با این تفاوت که نویسنده در رمانهای اجتماعی به ماجراها و شخصیت‌های معاصر می‌پردازد. قهرمانان رمان اجتماعی کارمندان و زنانی هستند که ماجراهای غم‌انگیزی پشت سر می‌گذرانند که این ماجراها نشانه‌ای از دشواریهای زندگی شهری در آستانه ورود جامعه به «روزگار نو» است. نخستین رمان اجتماعی «تهران مخوف» اثر مرتضی مشفق کاظمی است. او در این رمان وضع اسفناک زنان را به تصویر می‌کشد و بسیاری از نویسندگان از سبک ادبی و شیوه برخورد او با «مسئله زن» تقلید کردند. از میان آنان کار احمدعلی خداداده تیموری در رمانهای «روز سیاه کارگر» و «روز سیاه رعیت» ارزش بیشتری دارد. بهترین رمان اجتماعی عصر رضا شاه «زیبا» اثر محمد حجازی است. او در این اثر، گزارشی واقع‌گرایانه از سیر حوادث و روانشناسی اجتماعی سالهای ۱۲۹۰ هـ.ش ارائه می‌دهد و حرکت جامعه‌ای سنتی به سوی تجدد و شهرنشینی را توصیف می‌کند.

داستان کوتاه: نثر معاصر با وجود پیدایش رمانهای تاریخی و اجتماعی همچنان شاخه‌ای نورسته از درخت تناور ادبیات کهن ایرانی بود. نثر معاصر با پیدایش داستانهای کوتاه جمال‌زاده، هدایت و علوی، هویت ویژه خود را تعیین کرد. سیدمحمدعلی جمالزاده (۱۲۷۱-۱۳۷۶ش) نخستین مجموعه داستان واقع‌گرایانه ایرانی را با نام «یکی بود، یکی نبود» (۱۳۰۰ش) نوشت. اما داستان کوتاه با آثار صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ش) جایگاه واقعی خود را به دست آورد و به تدریج یکی از شاخه‌های اصلی ادبیات معاصر شد. تا این زمان، رمان وسیله‌ای برای سفرنامه یا خطابه و پند و اندرز بود؛ اما هدایت به جنبه زیبایی‌شناسی رمان توجه کرد و به آن به عنوان یک شکل مستقل ادبی، اهمیت بخشید.^۱

^۱ -- حسن میرعبدینی، «ادبیات داستانی» مندرج در دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، صص ۲۷۵-۲۸۱

۲-۱-۲ نسل میانه: از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ هـ.ش:

پس از سقوط رضا شاه و باز شدن درها به روی اندیشه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی، ادبیات متنوعی شکل گرفت. یکی از انواع ادبی در این دوره پاورقی نویسی بود. با افزوده شدن بر تعداد نشریات هفتگی، پاورقی نویسی به اوج خود رسید. از معروف‌ترین پاورقی‌های اجتماعی این دوره می‌توان با شرفها (۱۳۲۵ش) نوشته عماد عصّار را نام برد. دهه ۱۳۴۰ هـ.ش را می‌توان پایان دوران رونق پاورقی نویسی دانست. البته امروزه هم پاورقی نوشته می‌شود اما جایگاهی را که در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هـ.ش داشت از دست داده و امروز به حاشیه صفحه ادبی رانده شده است. نشریات حزب توده، پایگاه عمده‌ترین گرایش ادبی، واقع‌گرایی سیاست زده بود. پس از برگزاری «نخستین کنگره نویسندگان ایران» (۱۳۲۵ش)، این گرایش بر حیات ادبی تفوق یافت. قطعنامه کنگره، تحت تأثیر اندیشه‌های فاطمه سیاح و احسان طبری بر لزوم برنامه ریزی برای هدایت ادبیات به راه رئالیسم تأکید ورزید و از نویسندگان خواست تا در راه خدمت به توده مردم قلم زنند.

در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ هـ.ش، نویسندگان به «شبه مدرنیسم» چیره بر جامعه با دیدی انتقادی نگریستند و با شعار «بازگشت به خویش و سنتها» با تجدد ترویج شده به مبارزه پرداختند. جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی دو تن از مبارزانی بودند که در این راه بسیار تلاش کردند. آثاری که در این دوره پدید آمد، از لحاظ کمی و کیفی قابل توجه است به طوریکه می‌توان این سالها را مرحله گذار از ادبیاتی آغازین به سوی ادبیاتی شکل گرفته دانست. در این دوران ادبیات روستایی و اقلیمی به عنوان نشانه‌ای از تلاش روشنفکران برای راهیابی به درون روستاها، و جستجوی هویت بومی، رشدی چشمگیر داشت.^۱

بسیاری از نویسندگان در حیطه ادبیات اقلیمی شروع به فعالیت کردند که از میان آنان به

معرفی پنج نویسنده منطقه جنوب که آثاری ارزنده خلق کرده‌اند، می‌پردازیم:

۱- حسن میرعابدینی، «ادبیات داستانی» مندرج در دانشنامه زبان و ادب فارسی، صص ۲۸۳ - ۲۸۱.

احمد اعطا (محمود) در سال ۱۳۱۰ ه.ش در شهر اهواز به دنیا آمد. او در یک خانواده متوسط و پرجمعیت متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در اهواز گذراند. پایان دوره متوسطه او مصادف بود با دوران ملی شدن صنایع نفت که تب مبارزه با شرکت نفت انگلیس و ایران (B.P) سرتاسر مملکت را فرا گرفته بود.

احمد محمود هم مانند دیگر جوانهای این سرزمین وارد دنیای سیاست شد و به علت فعالیت تند سیاسی و سازمانی گرفتار زندان شد و از ادامه تحصیل بازماند. پس از آزادی از زندان برای گذراندن دوره خدمت سربازی به دانشکده افسری احتیاط رفت. در پایان دوره آموزش افسری، به علت ادامه مبارزات سیاسی همراه افسران آزادیخواه که بسیاری از آنها اعدام شدند، بازداشت شد و آخر سر هم به بندر لنگه تبعید شد. مجموع دوران زندان و تبعید او بیش از پنج سال طول کشید. بعد از آزاد شدن به دنبال کار رفت تا هزینه زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند. به علت نداشتن صلاحیت اجتماعی از نظر حاکمیت نمی‌توانست استخدام اداری شود و به همین علت به کار آزاد روی آورد.^۱ او از هیچ کار پرزحمت و کم درآمدی رویگردان نبود و به کارهایی از قبیل بار نویسی کشتی در بنادر، منشی تجارتخانه در بازار، بزازی و نانواپی و ... پرداخت. در همین حین جوانمردی احمد را به عمران وزارت کشور معرفی کرد که به دلیل نداشتن حسن پیشینه سازمان امنیت او را تأیید نکرد؛ اما رئیس اداره به نام مهندس محمد امین البرزی به مسئولیت خودش او را با عنوان «سرپرست حوزه عمرانی لرستان» استخدام کرد. احمد تا سال ۱۳۳۹ همه روستاهای لرستان را زیر پا گذاشت و تجربه‌هایی را کسب کرد که در داستانهای کوتاهش منعکس کرده است. پس از چندی به علت جنگ و جدال او با دیگران برای زیر بار نرفتن از کارهایی که به ضرر روستاییان است و همچنین از دست دادن حامی‌اش استعفا داد. احمد محمود مشاغل دیگری هم آزمایش کرد: کارشناس امور اجتماعی و شرکتهای تعاونی روستایی، کارمندی شهرداری اهواز، مأمور خدمت در استانداری خوزستان تا سال ۱۳۴۵، سپس کار در سازمان زنان ایران و مرکز آن در تهران، نویسندگی برنامه رادیویی، کارمندی شرکت فروش

۱- سارک محمود (اعطا) و دیگران، دیدار با احمد محمود، تهران، نشر معین، ۱۳۸۴، ص ۲۳.

هواپیمای یک موتورۀ کوچک شخصی (سنسا)، کار در اداره رفاه و خدمات اجتماعی و سپس قائم مقام مدیر عامل مؤسسۀ تولید و پخش پوشاک تا سال ۱۳۵۷. انقلاب که شد با اصرار خودش از مؤسسۀ تولید لباس باز خرید شد و کل وقتش را صرف نوشتن کرد. احمد محمود کار ادبی خود را بین سالهای ۳۳ تا ۱۳۳۶ با چاپ چند داستان کوتاه در مجله‌های تهران آغاز کرد. در آغاز او زیر تأثیر داستانهای هدایت و همچنین داستانهای ناتورالیستی چوبک بود. سپس با کسب تجربه‌های اجتماعی بیشتر و مطالعه دقیق روستاها و شهر زادگاه خود، به تجسم زندگانی مردم و مسائل اقتصادی - سیاسی آنان (مهاجرت روستاییان به شهر، مشکل بیکاری و ...) پرداخت. احمد محمود از کار ادبی خود راضی نیست ولی با در نظر گرفتن شیوۀ زیست دشوار او و وضعیت ادبی آن سالها می‌توان گفت نگارش چهار رمان و بیش از پنجاه داستان کوتاه کار کوچکی نبوده است.^۱ احمد محمود در سال ۱۳۸۱ درگذشت.

آثار:

- ۱- مول (۱۳۳۹ ش)
- ۲- دریا هنوز آرام است (۱۳۳۹ ش)
- ۳- بیهودگی (۱۳۴۱ ش)
- ۴- زائری زیر باران (۱۳۴۶ ش)
- ۵- غریبه‌ها و پسرک بومی (۱۳۵۰ ش)
- ۶- همسایه‌ها (۱۳۵۳ ش)
- ۷- داستان یک شهر (۱۳۶۰ ش)
- ۸- زمین سوخته (۱۳۶۱ ش)
- ۹- دیدار (۱۳۶۹ ش)
- ۱۰- از مسافر تا تب خال (۱۳۷۰ ش)
- ۱۱- مدار صفر درجه (۱۳۷۲ ش)
- ۱۲- درخت انجیر معابد (۱۳۷۹ ش)

۱- عبدالعلی دستغیب، نقد آثار احمد محمود، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۸، صص ۸-۲۰.

۲-۱-۲-۲ سیمین دانشور:

سیمین دانشور در اردیبهشت سال ۱۳۰۰ ه.ش در شهر شیراز متولد شد. او در خانواده‌ای اشرافی و توانگر بزرگ شد. پدرش دکتر محمدعلی دانشور و مادرش قمر السلطنه حکمت بود. پدر او پزشکی مردمی بود که بسیار به فقرا کمک می‌کرد و برای شاگردان بی‌بضاعت بورس تحصیلی فراهم می‌کرد. سیمین دانشور دوران ابتدائی و متوسطه خود را در مدرسه مهرآئین شیراز که مدرسه انگلیسیها بود، گذراند. او به علت گذراندن این دوران در این مدرسه و همچنین صحبت کردن خدمتکار خانه‌شان (که قبلاً با انگلیسیها کار کرده بود و با این زبان آشنا بود) از همان زمان کودکی انگلیس را یاد گرفته و رمانهایی با آن زبان را خوانده بود. او با معدل نوزده و بیست و پنج صدم دیپلم متوسطه را گرفت و شاگرد اول همه ایران شد و بعد از آن همراه با خواهر و برادر ارشد خود به تهران رفت و در دانشکده ادبیات تهران مشغول درس خواندن شد. سیمین در دوران تحصیلات دانشکده کارهای دیگری هم می‌کرد. پدرش در سال ۱۳۲۰ ه.ش فوت کرد و سیمین برای پیدا کردن استقلال مالی تصمیم گرفت کار کند و به همین علت پیش صدیق اعلم رئیس تبلیغات وقت رفت. صدیق اعلم برای مدتی معاونت اداره تبلیغات خارجی را به او سپرد. در همان دوران دانشجویی دانشور برای رادیو مقاله می‌نوشت؛ مقالاتی از نوع اخلاقی و تعلیمی و برای هر مقاله هم هفده تومان دریافت می‌کرد. دکتر صورتگر که همشهری سیمین است او را به روزنامه ایران معرفی کرد او در این روزنامه به مقاله نویسی پرداخت. او در این مقاله‌ها از داستان نویسی حسینقلی مستعان - پدر پاورقی نویسان ایران - انتقاد کرد و کتاب فتنه دشتی را نقد کرد. دشتی در این دوره نویسنده شناخته شده‌ای است و انتقاد از داستانهای او جرأت می‌طلبید و سیمین هم این جرأت را از خود بروز داد. پس از درگذشت پدر سیمین، خانواده او به تهران آمدند و خانه‌ای در خیابان ایرانشهر خریدند. چون مادر سیمین نقاش بود، خانه آنها محفلی برای نقاشان پیر و جوان شده بود. یکی از کسانی که به خانه آنها رفت و آمد داشت مرتضی کیوان بود که تشویق کرد سیمین قصه‌های پراکنده خود را در یک مجموعه دریاورد. به این ترتیب سیمین دانشور اولین

قدم در راه نویسندگی‌اش را برداشت و اولین مجموعه داستانی‌اش را با نام «آتش خاموش» با تمام خامی و ناپختگی‌اش به چاپ رساند. سیمین در سال ۱۳۲۹ ه.ش با جلال آل احمد آشنا شد و این آشنایی به ازدواج ختم شد. جلال از نظر تفکر همانی است که سیمین در جستجویش بود. او با ازدواج با جلال در واقع به طبقه خود پشت پا زد. هر دو ناچار بودند کار کنند تا چرخ زندگی را بچرخانند. سیمین در سال ۱۳۳۱ ه.ش با بهره‌گیری از بورس فولبرایت به آمریکا رفت و مدت دو سال در رشته زیبایی‌شناسی در دانشگاه استنفورد کالیفرنیا به تحصیل پرداخت. در این مدت دو داستان کوتاه از او به زبان انگلیسی در مجله ادبی پاسیفیک اسپکتاتور و کتاب داستانهای استنفورد به چاپ رسید و در کلاسهای نویسندگی خلاقه والاس استگنر شرکت جست. وقتی به ایران برگشت، در اداره کل هنرهای زیبا (وزارت فرهنگ و هنر بعدی) استخدام شد و مدتی مدیریت مجله نقش و نگار را برعهده گرفت و حدود هفت شماره از این مجله را منتشر کرد.^۱ در سال ۱۳۳۸ ه.ش با سمت دانشجویی کلنل علینقی وزیری در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر به استخدام دانشگاه تهران درآمد. دکتر سیمین دانشور در دوره لیسانس دروس اجباری هنر دوران باستان، هنرمند و خاور دور، هنرمند دوران قرون وسطی را تدریس می‌کرد و در دوره فوق لیسانس دروس اجباری «شناخت زیبایی و هنر» و «فلسفه هنر» را تدریس می‌کرد. دکتر دانشور در سال ۱۳۵۸ ه.ش به تقاضای خود از دانشگاه بازنشسته شد.^۲

سیمین دانشور علاوه بر آفریدن آثار داستانی به ترجمه آثار نویسندگان مشهور خارجی هم پرداخت. علاوه بر این دو زمینه بسیار گسترده «سیمین دانشور پژوهشگر و منتقد ادبی و هنری کم نظیری نیز هست. دامنه کارهای او در این زمینه چنان گسترده و فراگیر است که شامل تمام علوم و فنون انسانی، از فلسفه و متافیزیک گرفته تا شعر، تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی، معماری، فولکلور، موسیقی، خطاطی و حتی فرش‌شناسی می‌شود.»^۳

۱- ناصر حریری، هنر و ادبیات (گفت و شنودی با دکتر پرویز نائل خانلری، دکتر سیمین دانشور)، بابل، کتابسرای بابل، ۱۳۶۶، صص ۷ - ۳۰.

۲- یعقوب آژند، «خاتون خطه قصه»، مندرج در: برساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه سیمین دانشور)، به کوشش علی دهباشی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶.

۳- انور خامه‌ای، «نگاهی کوتاه به زندگی و آثار سیمین»، مندرج در: برساحل جزیره سرگردانی، ص ۷۱.

آثار:

آثار داستانی:

- ۱- آتش خاموش (۱۳۲۷ش)
- ۲- شهری چون بهشت (۱۳۴۰ش)
- ۳- سووشون (۱۳۴۸ش)
- ۴- به کی سلام کنم (۱۳۵۹ش)
- ۵- جزیره سرگردانی (۱۳۷۲ش)
- ۶- از پرنده‌های مهاجر پیرس (۱۳۷۵ش)
- ۷- ساریان سرگردان (۱۳۸۰ش)

ترجمه:

- ۱- سرباز شکلاتی، برنارد شاو (۱۳۲۸ش)
- ۲- دشمنان، آنتوان چخوف (۱۳۲۸ش)
- ۳- راز موفق زیستن، دیل کارنگی (۱۳۳۰ش)
- ۴- بئاتریس، آرتور شنیتسلر (۱۳۳۲ش)
- ۵- کمدی انسانی، ویلیام سارویان (۱۳۳۳ش)
- ۶- داغ ننگ، ناتانیل هاتورن (۱۳۳۳ش)
- ۷- همراه آفتاب، هارول کورولندر (۱۳۳۷ش)
- ۸- باغ آلبالو، آنتوان چخوف (۱۳۴۷ش)
- ۹- بنال وطن، آلن پیتون (۱۳۵۱ش)
- ۱۰- ماه غسل آفتابی، از نویسندگان مختلف (۱۳۶۲ش)

متفرقه (تحقیق و پژوهش):

- ۱- شاهکارهای فرش ایران ۲ جلد (انگلیسی- فارسی)
- ۲- راهنمای صنایع ایران
- ۳- غروب جلال (۱۳۶۰ ش)
- ۴- شناخت و تحسین هنر (۱۳۷۵ ش)
- ۵- نامه های سیمین به جلال (به کوشش مسعود جعفری) (۱۳۸۳)

۲-۱-۲-۳ ابراهیم گلستان:

ابراهیم گلستان در سال ۱۳۰۱ ه.ش در شیراز متولد شد. پدر او مدیر روزنامه گلستان در شیراز بود. گلستان در سال ۱۳۲۰ به تهران آمد و وارد دانشکده حقوق شد اما پس از مدتی تحصیل را نیمه کاره رها کرد و وارد فعالیتهای سیاسی شد و همکاریاش را با حزب توده ایران آغاز کرد. او به دنبال اختلافی که با روش سران حزب توده پیدا کرد، از این حزب جدا شد و پس از دست کشیدن از فعالیتهای سیاسی به کار خبری و عکاسی و فیلمبرداری برای شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی و آژانسهای خبری پرداخت. گلستان در سال ۱۳۲۱ با صادق هدایت آشنا شد و دوستی محکمی بین آنها شکل گرفت؛ اما با وجود علاقه‌ای که او به آثار صادق هدایت داشت، تأثیری از او نگرفت. گلستان داستانهایی را از ارنست همینگوی، ویلیام فاکنر و چخوف ترجمه کرد که آنها را در یک مجموعه‌ای به نام «کشتی شکسته‌ها» منتشر کرد. بسیاری سبک نویسندگی او را متأثر از سبک داستانهای کوتاه همینگوی دانسته‌اند.^۱ «پی‌گیرترین دنباله رو داستان نویسان آمریکایی در ایران ابراهیم گلستان است که نخستین ترجمه داستانهای همینگوی و فاکنر به فارسی را از او داریم. بیشترین تلاش این نویسنده صرف استحکام ساختمان داستانهایش می‌شود.

۱- پرویز جاهد، نوشتن با دوربین: رودررو با ابراهیم گلستان، چاپ دوم، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۴، از ص ۱۵ تا

در مجموعه داستان « آذر، ماه آخر پاییز» نشان می‌دهد که در به کارگیری صنعت داستان نویسی فاکتور موفقیت‌هایی نیز داشته است.^۱

اما خود او از لحاظ تأثیر پذیری از نویسندگان خارجی می‌گوید: « از نظر تأثیرپذیری امکان این نبود که کانالیزه بشوم و توی یک خط بیفتم و بروم از کسی تأثیر بگیرم... صادقانه که نگاه می‌کنم برای خودم می‌بینم که تأثیری واحد از یک نویسنده یا یک سبک داستان نویسی هرگز نگرفتم.»^۲

او در سال ۱۳۲۶ کتاب اول خود را که مجموعه داستانی با نام « به دزدی رفته‌ها » بود، منتشر کرد. ابراهیم گلستان در دهه ۱۳۳۰، هنوز نه به رمان دست برده بود و نه تصمیم داشت به زبان سینما سخن بگوید. او مقاله نویسی علمی، پژوهشگر ادبیات جهان و به ویژه آمریکا بود. او در آن زمان به عنوان عکاس روزنامه‌های رهبر و مردم به کار مشغول بود. وی بعد از سال ۱۳۳۶، استودیوی سینمایی خود را با نام «استودیو گلستان» تأسیس کرد و تعدادی فیلم مستند برای یکی از سازمانهای شرکت نفت ساخت که از آن میان می‌توان به «آتش» و «موج و مرجان و خارا» اشاره کرد. به دلیل این همکاریها، عده‌ای از روشنفکران آن دوره به وی لقب «گلستان نفتی» داده بودند. فیلمهای مستند او از لحاظ سینمایی جزو اولین و بهترین فیلمهای مستند آن دوران شمرده می‌شود. وی از سال ۱۹۷۵ تاکنون در شهر ساکس در انگلستان زندگی می‌کند.^۳

آثار

کتابها:

۱- به دزدی رفته‌ها (۱۳۲۶ ش)

۲- آذر، ماه آخر پاییز (۱۳۲۹ ش)

۳- شکار سایه (۱۳۳۶ ش)

۱- حسن میرعبدینی، صد سال داستان نویسی ایران، تهران، نشر چشمه، جلد اول و دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲.

۲- ابراهیم گلستان، گفته‌ها، تهران، بازتاب نگار، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵.

۳- www.Fa.wikipedia.org

- ۴- جوی و دیورا و تشنه (۱۳۴۶ ش)
- ۵- مدّومه (۱۳۴۸ ش)
- ۶- از روزگار رفته حکایت (۱۳۴۸ ش)
- ۷- اسرار گنج دره جنی (۱۳۵۵ ش)
- ۸- خروس (۱۳۶۸ ش)
- ۹- نامه به سیمین به همت عباس میلانی

فیلمهای مستند:

- ۱- از قطره تا دریا (۱۳۳۲ ش)
- ۲- چشم اندازها(آتش، آب و گرما...) (۱۳۳۶ تا ۱۳۴۱ ش)
- ۳- موج و مرجان و خارا (۱۳۳۷ تا ۱۳۴۱ ش)
- ۴- تپه‌های مارلیک (۱۳۴۲ ش)
- ۵- گنجینه‌های گوهر (جواهرات سلطنتی) (۱۳۴۵ ش)
- ۶- خراب آباد (۱۳۴۵ ش)
- ۷- خرمن و بذر (۱۳۴۵ ش)

فیلمهای داستانی:

- ۱- دریا (بلند داستانی ناتمام) (۱۳۴۱ ش)
- ۲- فیلم کوتاه خواستگاری (۱۳۴۱ ش)
- ۳- خشت و آینه (۱۳۴۴ ش)
- ۴- اسرار گنج دره جنی (۱۳۵۳ ش)

۲-۱-۲-۴ صادق چوبک:

صادق چوبک در سال ۱۲۹۵ هـ.ش در شهر بوشهر متولد شد. او از خانواده‌ای بازرگان و مرفه بود که به قول خودش تا زمانی که ازدواج کرد مزه نداری را نچشید. تا کلاس سوم ابتدایی در مدرسه سعادت بوشهر (که به اسلوب دارالفنون ساخته شده بود) درس خواند. در همان دوران زخم خطرناکی بر قوزک پای راستش پدیدار شد که به علت هوای گرم بوشهر که برای آن خطرناک بود از مادرش جدا شد و به نزد پدرش (که تازگیها زن گرفته بود) به شیراز رفت. او از همان دوران کودکی شیفته کتاب خواندن بود و از امکاناتی که داشت برای کتاب خواندن استفاده می‌کرد. چوبک برای ادامه تحصیل به کالج آمریکایی تهران رفت و دیپلم ادبی دوازدهم را با گواهی‌نامه فارغ‌التحصیلی کالج در خرداد ۱۳۱۶ به دست آورد. در سال ۱۳۱۴ که شاگرد کالج بود با همسرش که او هم در دبیرستان دخترانه آمریکایی با او همکلاس بود، آشنا شد و در سال ۱۳۱۶ با او ازدواج کرد. در همان سال در مدارس دولتی خرمشهر به تدریس پرداخت تا سال ۱۳۱۸ که برای گذراندن خدمت سربازی به ارتش احضار شد. پس از سربازی در سال ۱۳۱۹ به عنوان تحویل دار در وزارت دارایی شروع به کار کرد و تا سال ۱۳۲۴ به کار در آنجا ادامه داد. در سال ۱۳۲۶ به دعوت «ابولساتن» به عنوان مترجم در اداره اطلاعات سفارت انگلیس استخدام شد و فقط یک سال در آن شغل ماند.^۱

از این سال به بعد به طور جدی مجموعه داستانهای کوتاه خود و رمانهایش را به چاپ رساند و به علت تسلطش به زبان انگلیسی به ترجمه آثاری از نویسندگان خارجی هم پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نخستین کنگره نویسندگان ایران تشکیل شد که با حضور ۷۸ شاعر و نویسنده برگزار می‌شد. صادق چوبک هم جزو یکی از این نویسندگان بود که در این کنگره حضور پیدا کرد. در این کنگره نویسندگان بیشتر از هر چیز به نقش هنر در زندگی اجتماعی توجه کردند و سعی کردند تا

۱- صادق چوبک، «زندگی من» مندرج در یاد صادق چوبک، به کوشش علی دهباشی، تهران، نثر ثالث، ۱۳۸۰، صص ۱۵-۲۵.

نویسندگان را به سمت و سوی ادبیات واقع‌گرا سوق دهند. برگزاری این کنگره بر نویسندگان تأثیر قابل توجهی گذاشت و می‌توان رد این تأثیر را در آثارشان جست و جو کرد.^۱

ادبیات واقع‌گرا بر چوبک هم تأثیر گذاشت ولی تفاوت او با دیگر نویسندگان واقع‌گرا این بود که او چشم ذره‌بین خود را بیشتر بر روی بدیها و زشتیها متمرکز می‌کرد و سبک او بیشتر براساس مکتب ناتورالیسم بود.

در سال ۱۳۴۹ به مدت یکسال در دانشگاه یوتا به عنوان استاد مهمان تدریس کرد و همچنین در سال ۱۳۵۱ دعوت برای شرکت در کنفرانس نویسندگان آسیایی و آفریقایی در آلماتا در قزاقستان شوروی را پذیرفت و در آن جا حضور یافت. چوبک در سال ۱۳۵۳ خود را بازنشسته کرد و پس از مدتی راهی انگلستان و سپس آمریکا شد. در سال ۱۳۶۹ برای او به جهت بنیاد پرو مرکز مطالعاتی دانشگاه برکلی در دانشگاه کالیفرنیا بزرگداشت گرفتند و در نهایت در سال ۱۳۷۷ در سن ۸۲ سالگی در شهر برکلی درگذشت.^۲

آثار:

۱- خیمه شب بازی (۱۳۲۴ ش)

۲- انتری که لوطیش مرده بود (۱۳۲۸ ش)

۳- تنگسیر (۱۳۴۲ ش)

۴- چراغ آخر (۱۳۴۴ ش)

۵- سنگ صبور (۱۳۴۵ ش)

ترجمه:

۱- آدمک چوبی اثر کلودی، کارلو ترجمه صادق چوبک

۲- پیش از شناسایی اثر یوجین اونیل ترجمه صادق چوبک

۳- مهپاره ترجمه ف. و. بین از متن سانسکریت؛ ترجمه از انگلیسی صادق چوبک

۱ - حسن محمودی، نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های صادق چوبک، چاپ دوم، تهران، روزگار، ۱۳۸۱، ص ۵۴.

۲ - مهناز عبدالمهی، «سالشمار صادق چوبک»، مندرج در یاد صادق چوبک، صص ۱۳-۱۴.

۲-۱-۲-۵ امین فقیری:

امین فقیری در سال ۱۳۲۳ هـ. ش در یکی از محله‌های قدیمی شیراز متولد شد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان نمازی شیراز گذراند و در سال ۱۳۴۱ دیپلم فنی خود را گرفت. در سال ۱۳۴۲ به صورت سپاه دانش به سربازی رفت و این اتفاق سرمنشأ مهمی برای داستان‌نویسی او محسوب می‌شد. «فقیری خیلی جوان بود که به عنوان سپاهی دانش راهی روستاهای پلاس‌نشین کرمان شد. تجربه معلمی در روستا و آشنایی نزدیک با زندگی یکنواخت و دشوار دهقانان استعداد ادبی او را برانگیخت. به حدی که منتقدان در داستانهای نخستین کتابش، دهکده پرمال (۱۳۴۷) نوعی دقت جامعه‌شناختی، تازگی و روشنی و دلتنگی شاعرانه یافتند. این داستانها مشاهدات صمیمانه یک معلم روستا از زندگی کشاورزان کرمان و فارس است. نویسنده در اغلب آنها حضور دارد و ماجراهای ده‌نشینان را با غم غربت و ملال روحی خویش در می‌آمیزد.»^۱

او در قصه‌نویسی توانا است و به همین علت چندین بار داوری قصه‌نویسی در سطحهای مختلف را قبول کرده که فهرست‌وار به آن اشاره می‌شود:

۱- داوری دانشجویان سراسر کشور در رشته قصه‌نویسی در سال ۱۳۶۷

۲- داوری جشنواره مهرگان ۲- علوم پزشکی سراسر کشور در رشته قصه‌نویسی در سال

۱۳۸۲

۳- داوری قصه بانوان فارس در سال ۱۳۸۳

۴- داوری ششمین کنگره سراسری شعر و قصه جوان کشور در بندرعباس در سال ۱۳۸۳

۵- داوری هفتمین کنگره سراسری شعر و قصه جوان کشور در بندرعباس در سال ۱۳۸۴

۶- داوری جشنواره مهرگان ۴ دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور در سال ۱۳۸۴

۷- داوری دانشجویان شمال کشور (گرگان).

توانمندی این نویسنده، او را مفتخر به دریافت جوایزی به شرح زیر کرده است:

۱- برنده لوح زرین ۲۰ ساله داستان‌نویسی برای کلیه آثارش در سال ۱۳۷۶

۲- جایزه اول معلمان مؤلف برای رمان رقصندگان در سال ۱۳۷۸

۱ - حسن میرعابدینی، صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد اول و دوم، ص ۵۳۷.

۳- برنده جایزه اول جشنواره فارسی به خاطر مجموعه داستان «انگار هیچ وقت نبوده» در

سال ۱۳۸۲

۴- برنده جایزه اول به خاطر مقاله جنگ در کام ادبیات در جشنواره استانی فارس در سال

۱۳۸۶

او در حال حاضر در روزنامه عصر مردم شیراز مشغول به کار است.

آثار:

کتابهای داستانی:

- ۱- دهکده پرملال (۱۳۴۷ش)
- ۲- کوچه باغهای اضطراب (۱۳۴۸ش)
- ۳- کوفیان (۱۳۵۰ش)
- ۴- غمهای کوچک (۱۳۵۲ش)
- ۵- سیری در جذبه و درد (۱۳۵۵ش)
- ۶- سخن از جنگل سبز است و تبردار و تبر (۱۳۵۸ش)
- ۷- آهوی زیبای من (قصه برای کودکان) (۱۳۵۹ش)
- ۸- دو چشم کوچک خندان (۱۳۶۰ش)
- ۹- تمام بارانهای دنیا (۱۳۶۸ش)
- ۱۰- مویه‌های منتشر (۱۳۶۸ش)
- ۱۱- اگر باران بیارد (۱۳۷۲ش)
- ۱۲- رمان رقصندگان (۱۳۷۷ش)
- ۱۳- رمان پلنگهای کوهستان (۱۳۸۱ش)
- ۱۴- انگار هیچ وقت نبوده (۱۳۸۲ش)
- ۱۵- رمان زمستان پشت پنجره (۱۳۸۶ش)
- ۱۶- ببینم نبضتان می‌زند (۱۳۸۸ش)